

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه بیرجند

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه جهت اخذ درجه ی کارشناسی ارشد

زبان و ادبیات فارسی

عنوان :

## تحلیل محتوایی غزلیات حکیم نزاری

استاد راهنما :

دکتر زینب نوروزی

استاد مشاور :

دکتر محمد بهنام فر

نگارش :

شکرالله بیکی

تابستان ۱۳۹۳

"کلیه‌ی حقوق اعم از تکثیر ، چاپ ، نسخه برداری ، اقتباس و ... این پایان نامه ، متعلق به دانشگاه بیرجند است و هرگونه سوء استفاده از آن پیگرد قانونی دارد.  
نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است."

تقدیم به:

همسر عزیزم که وجودش دریچه های سبز دیگری از صفا و محبت را به زندگیم گشود و با تکل رنج ها و

سختی ها، همواره مرا تشویق نمود و فرزندان عزیزم که تنها چشمان آرزومند و منتظرشان برای طی

کردن این راه مرا کافی بود و پدر و مادرم که وجودشان کرمانش زندگیمان می باشد.

## چکیده

حکیم نزاری در زمره‌ی شاعرانی قرار دارد که نسبت به جامعه و مردمان روزگار خویش و اصول اخلاقی متعهد بوده و گرایش‌های عرفانی نیز داشته و مضمون غزلیات خود را در خدمت دفاع از ارزش‌های اصیل الهی و انسانی قرار داده است. موضوع رساله، تحلیل محتوایی غزلیات نزاری، است که دیدگاه شاعر در مورد مسائل اجتماعی، عرفانی و اخلاقی مورد تأمل و توجه قرار گرفته و با بررسی موارد یاد شده و فراخور هر موضوع و با استناد به نمونه‌های شعری این موضوعات تحلیل شده است. ابعاد این نوشتار، ارتباط عمیق شاعر با دنیای پیرامون، باورها و رفتار مردم روزگار را نشان می‌دهد. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است که مضامین غزلیات شاعر به سه بخش اخلاقی، اجتماعی و عرفانی تقسیم شده است. در بخش اخلاقی، که شامل فضایل و رذایل اخلاقی می‌باشد مسائلی چون: احسان، تواضع، توکل، فرو بردن خشم، حسن خلق، حسد، دنیا و دروغ بررسی شد. در بخش اجتماعی، به مسائلی چون: بی توجهی به ارزشهای اجتماعی، ظلم، غارت و تصاحب اموال و ریا و نفاق پرداخته شد. در بخش عرفانی مسائلی چون اخلاص، انسان کامل، ریاضت، عبادت، معرفت، وصال و یقین مورد بررسی قرار گرفت. در غزل‌های شاعر نشانه‌های تأثر او از رفتار و گفتار حسودان و معاندان و متعصبان روزگار که او را به الحاد متهم می‌کردند دیده می‌شود. او با متظاهران به دین و دانش و دکان داران سالوس به جدال پرداخته است. اهتمام به کار درویشان، خیرخواهی، تواضع، دعوت به تسلیم در برابر پروردگار، کسب معرفت و عشق ورزیدن به خالق را سرلوحه زندگی خود قرار داده است.

**واژگان کلیدی:** حکیم‌نزاری، غزلیات، تحلیل محتوایی، مضامین اخلاقی، مضامین اجتماعی، مضامین عرفانی

## فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
مسأله تحقیق	۱۱
هدف تحقیق	۱۱
پرسش های تحقیق	۱۱
پیشینه ی تحقیق	۱۱
فرضیه ها	۱۲
روش تحقیق	۱۲
<b>فصل اول : کلیات</b>	<b>۱۴</b>
۱- تحلیل محتوا	۱۴
۲- تعریف و هدف اخلاق:	۱۶
۳- تعریف جامعه شناسی ادبیات و هدف آن	۱۸
۴- تعریف عرفان :	۲۰
۵- زندگینامه	۲۳
<b>فصل دوم : مضامین اخلاقی در غزلیات حکیم نزاری</b>	<b>۲۶</b>
۱- فضایل اخلاقی	۲۶
۱-۱- احسان	۲۶
۱-۲- بخشش	۲۷
۱-۳- تواضع	۲۷
۱-۴- توبه	۲۸
۱-۵- توکل	۳۰
۱-۶- حسن خلق	۳۱
۱-۷- ذکر	۳۱
۱-۸- شکر	۳۲

۳۳	۹-۱- صبر
۳۵	۱۰-۱- صدق
۳۸	۱۱-۱- عدل
۳۸	۱۲-۱- عیب پوشی
۳۹	۱۳-۱- فرو بردن خشم
۴۰	۱۴-۱- قناعت
۴۱	۲- رذایل اخلاقی
۴۱	۱-۲- تهمت
۴۲	۲-۲- حرص
۴۳	۳-۲- حسد
۴۴	۴-۲- دروغ
۴۵	۵-۲- دنیا
۴۸	۶-۲- غفلت
۴۹	۷-۲- کلام باطل
۵۱	<b>فصل سوم : مضامین اجتماعی در غزلیات حکیم نزاری</b>
۵۱	۱- بی ارزشی شعر و شاعر
۵۱	۲- بی توجهی به ارزش های اجتماعی
۵۲	۳- پادشاهان
۵۳	۴- خطیبان و واعظان
۵۴	۵- ریا
۵۵	۶- ظلم
۵۷	۷- عالمان
۵۷	۸- غارت و تصاحب اموال
۵۸	۹- فسق و فجور

۵۹	۱۰- فقیهان .....
۶۰	۱۱- محتسبان .....
۶۱	۱۲- پرداختن مالیات .....
۶۱	۱۳- نفاق .....
۶۲	۱۴- وفای به عهد و دوستی .....
۶۶	<b>فصل چهارم : مضامین عرفانی در غزلیات حکیم نزاری .....</b>
۶۶	۱- اسماء و صفات الهی .....
۶۷	۲- اخلاص .....
۷۱	۳- استغنا و زهد .....
۷۲	۴- الست .....
۷۹	۵- انسان کامل (پیر، ولی) .....
۸۴	۶- بهشت و دوزخ .....
۸۹	۷- تجلی .....
۹۴	۸- تسلیم .....
۹۹	۹- تفکر .....
۱۰۲	۱۰- ریاضت .....
۱۰۵	۱۱- دوری از هوای نفس .....
۱۰۸	۱۲- سکر و صحو .....
۱۱۱	۱۳- عبادات .....
۱۱۳	۱۴- عشق .....
۱۲۵	۱۵- قرب .....
۱۲۹	۱۶- معرفت .....
۱۳۱	۱۷- وصال .....
۱۳۷	۱۸- یقین .....



۱۴۰ ..... نتیجه گیری

۱۴۲ ..... منابع

## مقدمه

### مسأله تحقیق

زبان و ادبیات فارسی قدمتی بالغ بر هزار سال دارد که از ابتدا تاکنون شاعران و نویسندگان بسیاری در این عرصه هنرنمایی و قلم فرسایی کرده‌اند؛ شاعران بزرگی که طبع گرم و لحن دلنشین آن‌ها هرگز از خاطره‌ی مردم این مرز و بوم پاک نخواهد شد. شعر حکیم نزاری از نظر لفظ و معنی شباهت‌هایی با شعر حافظ و سعدی دارد و می‌توان گفت، نزاری یکی از اندیشمندان بزرگ قرن هفتم و هشتم هجری است و از این جهت بررسی محتوای غزلیات این شاعر بزرگ اهمیت فراوانی دارد تا به قدر و منزلت و تأثیرگذاری بر مخاطبانش پی ببریم.

### هدف تحقیق

ادبیات هر جامعه اطلاعات ارزنده‌ای از نحوه‌ی سلوک اجتماعی، باورها و عقاید مردم آن روزگار را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد. حکیم نزاری، با آن که جایگاه علمی، ادبی و اعتقادی والایی دارد اما برای محققان و دوستداران شعر و ادب ناشناخته و توجهی در خور به شعر، بویژه غزلیات او نشده است. برای زدودن پرده‌ی گمنامی از چهره‌ی شاعری صاحب سبک، برای فهم سخن و کلام او و درک ارزش آثار وی به تحلیل غزلیاتش پرداختم زیرا تحلیل محتوایی اشعارش می‌تواند تصویری گویا از زندگی شاعر، اوضاع اجتماعی، باورها و رفتار مردم روزگارش را نشان دهد.

### پرسش‌های تحقیق

۱- غزلیات حکیم نزاری شامل چه مضامینی است؟

۲- چه مضامینی در غزلیات وی بازتاب بیشتری دارد؟

### پیشینه‌ی تحقیق

تاکنون در زمینه‌ی شعر و اندیشه‌ی نزاری آن چنان که باید تحقیق نشده است. برجسته‌ترین اثری که در این موضوع، به رشته‌ی تحریر در آمده است متن انتقادی دیوان حکیم نزاری از مظاهر مصفا و شرح احوال وی را علیرضا مجتهد زاده نوشته است. همچنین ملیحه مهدوی به شرح احوال، آثار و افکار حکیم نزاری، نجف ترابی به نقد و تحلیل، جعفر عباسی به نقد جامعه‌شناسی اشعارش، محمود حسن خانی به بررسی عناصر تشریح در غزلیات نزاری قهستانی، غلام علی بای بوردی به

زندگی و آثار نزاری ، صفیه جمالی و نیره پاک مهر به موضوع و مضمون در غزل او ، حمید رضا خوارزمی به سیری در مضمون و فکر غزلیاتش و معصومه صائب به تحلیل جامعه شناختی آثار حکیم نزاری پرداخته اند.

### فرضیه‌ها

۱- محتوای شعر نزاری شامل مضامین عرفانی، اجتماعی، انسانی، اخلاقی و سیاسی است.

۲- مضامین عرفانی، حکمی و اخلاقی در شعر او بازتاب گسترده‌تری دارد.

### روش تحقیق

ابتدا کتاب‌ها و مقاله‌هایی که در باب زندگی و شرح احوال نزاری ، جامعه‌شناسی ادبیات ، اخلاق و عرفان نوشته شده بود مطالعه و فیش برداری شد . پس از آن غزلیات حکیم نزاری ، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و از مباحث اخلاقی ، اجتماعی و عرفانی در غزلیات او به صورت جداگانه فیش برداری و فیش‌ها بر اساس ملاک‌ها و معیارهای انجام پژوهش ، طبقه‌بندی ، تحلیل و تدوین گردیده است.

این رساله شامل یک مقدمه که حکم ورود به بحث اصلی را دارد و چهار فصل است.

فصل اول: کلیاتی راجع به تحلیل محتوا، تعریف و هدف اخلاق، تعریف و هدف جامعه‌شناسی ادبیات، تعریف عرفان و زندگی‌نامه‌ی نزاری گفته شده است.

فصل دوم: که شاعر در صدد اصلاح جامعه‌ی خویش برآمده و با ناهنجاریهای اخلاقی به مبارزه برخاسته، مضامین اخلاقی (فضایل، رذایل) آمده است.

فصل سوم: نزاری به بیان نابسامانی‌های اجتماعی و جلوگیری از فساد عمومی پرداخته است.

فصل چهارم: به دیدگاه صوفیانه‌ی شاعر به مضامین عرفانی توجه شده است.

در روش ارجاع ابیات، عدد سمت چپ مربوط به شماره صفحه است.

محتوای غزلیات نزاری، که بسیار پر بار و آموزنده است، مسائلی از قبیل روحیه‌ی آزاد اندیشی، حمایت از ستم‌دیدگان، قناعت، اخلاص، مبارزه با ظلم، ریا و بی‌عدالتی را به ما نشان می‌دهد، به همین دلیل بر آن شدم به تحلیل محتوای غزلیاتش بپردازم. چون قدم برداشتن در راه تحقیق بدون راهنمایی دلسوز و آگاه غیر ممکن است بر خود لازم می‌دانم مراتب قدردانی و سپاس خود

را از استادان محترم و بزرگوار سرکار خانم دکتر زینب نوروزی، استاد راهنما و جناب آقای دکتر محمد بهنام‌فر، استاد مشاور و استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند ابراز کنم و برای ایشان سلامت و سعادت روز افزون از درگاه خداوند متعال خواهانم.

## فصل اول: کلیات

### ۱- تحلیل محتوا

برای انعکاس درون مایه‌ی متون مختلف اعم از شعر و نثر نیاز به تأمل و آگاهی است. شاعر یا نویسنده‌ی تیز بین و متعهد که اندیشه‌ی آرمانی و انسانی دارد سخنانش چون آئینه‌ای است که حوادث و پدیده‌های اجتماعی، صفات اخلاقی پسندیده و ناپسند رایج در روزگارش، درجه‌ی معرفت و شیوه‌ی سلوک مردم را به خوبی منعکس و عقاید و آرمان‌های خود را در نوشته‌اش بیان می‌کند. تحلیل محتوا کاوشی است برای شناخت هر چه بیشتر آثار بزرگان در حوزه‌ی شاخه‌های مختلف علمی و ادبی، تا موجب روشنگری و آگاهی هر چه بیشتر و بهتر مردم گردد.

«تحلیل محتوا یک مورد خاص در تحلیل مشاهده‌ای و تحقیق و تاریخی اسنادی محسوب می‌شود و از نظرماهیت، پژوهش کمی است که از طریق آن محتوای کیفی منابع مورد بررسی طی دستکاری‌های آماری به داده‌های کمی تبدیل می‌شود این روش را مطالعه عینی، کمی سیستماتیک فرآورده‌های ارتباطی برای رسیدن به تفسیر پیام، تعریف کرده‌اند» (موسوی نسبت کرمانی، ۱۳۸۴: ۱)

عینی بودن، منظم بودن، آشکار بودن و مقداری بودن، چهار خصیصه‌ی اصل در تکنیک تحلیل محتوا است که باید همواره آن‌را در اثر مورد بحث مدنظر قرار داد.

در واقع تحلیل محتوا موضوع اصلی علوم انسانی، علوم اجتماعی و به طور کلی علمی است که به گونه‌ای با انسان و مسائل مرتبط با او سرکار دارد. نگارنده تحلیل محتوا را این گونه تعریف نموده است: تحلیل محتوا روشی است پژوهشی بر مبنای کمیت (درصد شمارش) برای شناسان بعد پنهانی و ناشناخته‌ی اثر و خالق آن به مخاطب. (همان: ۱)

در تحلیل محتوا، مقصود از معنی و محتوا، موضوعات شعری و نوع افکار و عواطف و حالات و تجربیات شاعران و مقاصدی است که در کلام بیان شده است (رزمجو ۱۳۷۰: ۴۷)

به عقیده‌ی دکتر زرین کوب در فهم معنی آشنایی خواننده با زبان و بیان شاعر و همچنین عامل تحول و زمان دخالت دارد. (زرین کوب، ۱۳۴۶: ۱۳۶)

در هنر ادبیات محتوای شعر باز تاب عواطف و احساسات شاعر در مقابل عوامل محیط زندگی به ویژه اوضاع اقتصادی، اجتماعی، عقاید، سنت‌ها، اخلاق و مناسبات جوامع با یکدیگر است. (صبور، ۱۳۸۴: ۳۲۰)

در ایران تجزیه و تحلیل متون - یعنی جزء جزء کردن و یافتن ارتباط بین متون قرآنی و نظم و نثر فارسی- از گذشته‌های دور رواج داشته و در این شیوه‌ها و ضوابط نسبتاً قابل اعتمادی به کار گرفته می‌شده است. (رفیع پور، ۱۳۸۲: ۱۱۰)

به نظر دکتر رفیع پور، اهمیت تکنیک تحلیل محتوا در آن است که این تحلیل می‌تواند بی‌ربطه با زمان و مکان در مورد محتواها و منابع که در زمان‌های گذشته و یا در فرهنگ‌های دیگر تولید شده‌اند به کار گرفته شود. (همان: ۱۰۹)

معروف‌ترین انواع پژوهش تحلیل محنوا عبارتند از:

- ۱- تحلیل محتوای مقوله‌ای
- ۲- تحلیل محتوای ارزیابی
- ۳- تحلیل محتوای تفاهم و همبستگی

در تحلیل مقوله‌ای با شمارش و عدد سرو کار داریم. در تحلیل ارزیابی، اندازه‌گیری شدت گفتارها را ملاک کار قرار می‌دهیم و در تحلیل تفاهم، تداعی مثبت و منفی واحدها را نسبت به هم بررسی می‌کنیم. (موسوی نسبت کرمانی، ۱۳۸۴: ۸۲)

«از میان سه نمونه‌ی مزبور، تحلیل محتوای مقوله‌ای بیش از بقیه معروف است و در ایران در برخی پژوهش‌های، تنها از آن استفاده شده است. در این روش ابتدا متن مورد نظر (انواع پیام‌ها مثل: فیلم، مجله و...)»

را به اجزایی تجزیه می‌کنند، سپس اجزاء را به طبقاتی تقسیم می‌نمایند و با شمارش فراوانی هر طبقه درصد آنها مشخص و در پایان، آن درصدها را تحلیل می‌کنند». (همان : ۸۴)

تحلیل محتوا به منظور بررسی محتواهای متون (مانند متن یک مقاله، سخنرانی یا برنامه تلویزیون) و همچنین تحلیل رفتار افراد به کار گرفته می‌شود. مزیت این تکنیک خصوصاً در دو چیز است:

اولاً با این تکنیک می‌توان برداشت نسبتاً واقع بینانه‌ای از یک متن، پیام و یا یک شخص به دست آورد و ثانیاً می‌توان متون مختلف در زمان گذشته را بررسی نمود و به خصوصیات اجتماعی-فرهنگی آن زمان پی برد. (رفیع‌پور، ۱۳۸۲ : ۱۴۳)

## ۲- تعریف و هدف اخلاق:

نظام های اخلاقی و توصیه های دینی، محاسبه ی نفس را بهترین راه پیشگیری و درمان از بیماری های باطنی می داند و کسی که به معرفت نفس دست یابد به بزرگترین رستگاری دست یافته است. رعایت اصول اخلاقی، موجب سلامت روحی و معنوی می شود. فضایل اخلاقی، صفات و حالاتی هستند که نتیجه ی توجه به خدا و حرکت به سوی ان مبدأ کمال است و رذایل اخلاقی، حالات و صفاتی هستند که نتیجه ی فراموشی و غفلت از خدا است. علم اخلاق با شناسایی قوا و استعداد های روح آدمی، چگونگی ایجاد تعادل در میان امیال گوناگون و راه و روش تربیت نفس را میسر می سازد.

آغاز نگارش کتب اخلاقی به اواخر قرن پنجم به تدوین اندرزنامه و پندنامه ها باز می گردد و منبع الهام شاعران، نویسندگان و دانشمندان در بیان مسائل اخلاقی کتب مذهبی خصوصاً قرآن و حدیث و سخنان ائمه ی اطهار و دیگر بزرگان بوده است.

موضوع هر علمی مربوط به انسان می شود و هدف علم اخلاق رستگاری و سعادت بشر در زندگی می باشد. هدف اخلاق، وادار نمودن انسان به آنچه باید عمل کند با بهره گیری از آزادی و اختیار در عمل و توجه به اینکه عمل به این دستورها باعث بدبختی و سقوط و نکبت خواهد گردید.

علم اخلاق است که با شناسائی قوا و استعدادهای گوناگون انسان و فضایل و رذایل روح آدمی چگونگی ایجاد تعادل در میان امیال گوناگون و راه و روش تربیت نفس را مسیر می سازد به نحوی که انسان بتواند به کمال استحقاقی خود نایل آید و موانع موجود بر سر راه تکامل را شناسایی و از میان بردارد. بدون علم اخلاق انسان خود را نمی شناسد و بر تربیت خویشتن انسانی خود قادر نمی گردد.

الگوی اخلاقی اسلام، انسان وارسته و به کمال پیوسته است که علاوه بر ظاهر، از نظر باطن به تصفیه ای کامل نایل آمده و دلش روشن به نور معرفت است. هدف از تربیت اخلاقی در اسلام، افزایش مراتب و درجات قلبی در سایه ی معرفت الهی است تا شخص شایستگی لازم برای تقرب به خدا را پیدا کند.

«اخلاق جمع خلق، خوی ها به معنی خوی، طبع، مروّت، دین و جمع خُلق به معنی خوش خوی است». (دهخدا. «اخلاق»)

خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب اخلاق ناصری اخلاق را چنین تعریف می کند: «خُلق ملکه ای بود نفس را مقتضی سهولت صدور فعلی از وی بی احتیاج به فکری و رویتی». (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹: ۱۰۱)

«تعلیم، آموختن و یاد دادن است و وضع و حکمت؛ پند دادن و اندرز گویی... شعر تعلیمی آن است که هدف سراینده در سرودن آن، آموزش اخلاق و تعلیم و اندیشه های پسندیده ی مذهبی و عرفانی و علوم و فنون باشد. به طور کلی دو نوع شعر تعلیمی در ادبیات ملل دیده می شود: نوعی که موضوع آن خیر و نیکی است و نوعی که موضوع آن حقیقت و زیبایی معنوی است». (رزم جو، ۱۳۷۰: ۷۷)

ادبیات تعلیمی تنها مختص شعرای عارف مسلک نبوده است بلکه در اشعار شعرای درباری نیز پند و اندرز وجود دارد. قالب پند و اندرز تنها به قصیده و مثنوی اختصاص ندارد و در سایر قالب ها هم می توان شاهد نصیحت های شعرا بود.

«اخلاق سبب خوشبختی عمومی و احترام انسانی می گردد. فضل و دانش وقتی ارزش پیدا می کنند که قرین با اخلاق باشند پس باید پرهیزگارترین انسانها باشیم نه دانشمندترین آنها. اسمایلز



عقیده دارد که ایجاد اخلاق عالی بدون سعی و تلاش و بدون تحمل ریاضت میسر نمی شود.»  
(اسمایلز، ۱۳۴۶: ۱۹)

"علم اخلاق یکی از شعب حکمت عملی است و آن دانش بد و نیک خویها و تدبیر انسان برای  
نفس خود یا یک تن خاص". (معین. "اخلاق")

### ۳- تعریف جامعه شناسی ادبیات و هدف آن

رسالت جامعه شناسی هنر و ادبیات این است که اهمیت هنرها و رابطه ی آنها با زندگی ما را  
آشکار سازد در دوره ی حاضر هر روز سهم ارزشهای زیبا شناختی در زندگی روزمره بیشتر می  
شود و هر روز هنر ها بیش از هر زمان دیگر به زندگی روزمره می پردازند و در چنین شرایطی ما  
نیازمند به شناخت همه جانبه ی هنر هستیم تا ما را نسبت به جهان انباشته از تصاویر، صدا و نماد  
ها آگاه سازد. اختلاف و تشتت در جامعه ی انسانی، ناشی از اسارت آنها در قید انواع خود خواهی  
ها، تعصبات و عقده های روحی است که صدمات سختی بر پیکر جامعه و حق و حقیقت نیز وارد  
می شود و به جای اتحاد، تفرقه و دشمنی در بین اقشار مختلف جامعه رواج می یابد.

جامعه شناسی ادبیات چیست؟

«جامعه شناسی ادبیات - یکی از شاخه های جامعه شناسی هنر - ساخت و کارکرد اجتماعی  
ادبیات و ارتباط میان جامعه و ادبیات و قوانین حاکم بر آن ها را بررسی می کند.» (ستوده، ۱۳۸۷:  
۵۶)

«منظور از جامعه شناسی در ادبیات جست و جوی بازتاب ویژگی های اجتماعی هر دوره ی  
تاریخی در آثار ادبی است که در آن دوره پدید آمده است. آثاری که در هر دوره خلق می شوند،  
باید به هر ترتیب با فضای پیرامون خود در ارتباط باشند و تصویری قابل درک از آن ارائه دهند.»  
(پارسا نسب، ۱۳۸۷: ۲۶)

«جامعه شناسی، تنها مجموعه ای ساده از افراد نیست، بلکه نظامی است که از پیوند آن ها با  
هم نتیجه می گیرد و خصلت های خاص خود را دارد. بدین ترتیب، بسیاری از رفتارهای آدمی به  
راهنمایی جامعه ای که در آن پرورش می یابد شکل می گیرد.» (ستوده، ۱۳۷۶: ۱۶)

جامعه‌شناسی آفرینش ادبی :

«این شیوه جامعه‌شناسی، اثر را پدیده‌ای اجتماعی می‌داند و معتقد است که ساختارهای جهان آثار ادبی با ساختارهای ذهنی و برخی از گروه‌های اجتماعی همخوان است و یا با آنها رابطه‌ای درک‌پذیر دارد. اندیشه‌ی محوری این زیبایی‌شناسی آن است که اثر هنری، سازنده‌ی جهانی‌تخیلی و غیر مفهومی و در عین حال، بسیار غنی و به تمامی یکپارچه و یک دست». (اسکارپیت، ۱۳۷۴: ۱۵)

جامعه‌شناسی ادبیات :

«پژوهشگر این دانش، ادبیات را نه به عنوان موضوعی تفننی، بل به عنوان بخشی بسیار مهم از شعور اجتماع و بازتاب درخور توجهی از فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد و محقق، خود، نه به عنوان یک سخن‌شناس زیبا‌پسند محض بلکه به عنوان یک جامعه‌شناس واقع‌گرا با اثر و آفریننده‌ی آن و با فکر و فرهنگ و شخصیت فرهنگی شاعر و نویسنده و روابط هنرمند و اجتماع روبرو می‌شود». (ترابی، ۱۳۸۰: ۴)

«به تعریف مردم‌شناسان، میراث اجتماعی یا میراث فرهنگی یا فرهنگ عبارت است از مجموعه‌ی پیچیده‌ای که شامل دانش‌ها، آگاهی‌ها، باورها، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم، تمامی گرایش‌ها، قابلیت و عادت‌ها که در آدمی در حالت عضویت در یک جامعه نصیبش می‌شود. به بیان دیگر کلیه ساخته‌ها، آموخته‌ها، اندوخته‌ها، ارزش‌های مادی و معنوی و دستاوردهای انسان‌ها در طی تاریخ، فرهنگ نامیده می‌شود». (همان: ۱۶)

هدف کلی جامعه‌شناسی ادبیات: «شناخت روابط متقابل ادبیات و جامعه، نقش زندگی و محیط اجتماعی در پیدایش و پرورش شاعران و نویسندگان بزرگ، تأثیر دیرپای گویندگان و نویسندگان بزرگ در فرهنگ جامعه، سهم میراث فرهنگی در آفرینش آثار هنری، بازتاب و ادامه حیات عناصر زنده و پویای فرهنگی جامعه در شاهکارهای ادبی، ادبیات و نقش آموزشی و پرورشی آن، ارزش و اعتبار ادبیات به ویژه از لحاظ تنویر افکار و تهذیب اخلاق عمومی، آشنایی با افکار و عقاید فکر و فلسفه گویندگان و نویسندگان بزرگ و شناخت مباحث اجتماعی در ادبیات فارسی است». (همان: ۱۹)

محیط سیاسی و اجتماعی و دوران زندگی شاعر، مقارن با طوفان خانمان برانداز حملات مغول بود. حکیم نزاری شاهد خونریزی ها و زورمداری ها که تأثیر سوء خود را بر اخلاق و روحیات مردم می گذارند و فرومایگی ها و دورویی ها و تبهکاری ها را به دنبال می آورند بود و فریادش بر علیه سردمداران ظلم و ریا و نفاق و بی عدالتی بلند بود و همگان را به استغنا و زهد راستین و دوری از هوای نفس و پرهیز از مشتی دو روی ده زبان دعوت می کرد.

#### ۴- تعریف عرفان :

علوم معنوی چون با بصیرت و بینایی دل همراه شود، معرفت گویند ، این بصیرت جز در سایه ی عمل به ان علم حاصل نمی شود. معرفت از نوع محفوظات یا علم تقلیدی نیست بلکه جوششی از دل و نوری است در باطن که انسان به یاری آن حقیقت را می شناسد ، می یابد و با افزایش معرفت به سوی بندگی، خضوع و تسلیم در برابر حق حرکت می کند انبیاء و اولیای الهی ، درهای معرفت را به روی انسان گشوده و خود سرچشمه های علم و حکمت الهی بوده اند. وارستگی از قید نفس که متکی بر بصیرت و معرفت و مجاهدات فراوان است دل را مستعد توجه به درگاه الهی می نماید و اتصال به آستان پروردگار را سرعت می بخشد.

عرفان عبارت است از علم به حضرت حق سبحان از حیث اسماء و صفات و مظاهرش و علم به احوال مبدأ و معاد و به حقایق عالم و چگونگی بازگشت آن حقایق به حقیقت واحدی که همان ذات احدی حق تعالی است و معرفت طریق سلوک و مجاهده برای رها ساختن نفس از تنگناهای قید و بند جزئیت و پیوستن به مبدأ خویش و اتّصاف وی به نعت اطلاق و کلیّت. ( یشربی، ۱۳۸۴: ۲۸)

عناصر و اصول اساسی عرفان عبارتند از:

الف- وحدت ب- شهود ج- فنا د- ریاضت (یشربی، ۱۳۸۴: ۳۸)

عرفاً در عین قبول علوم رسمی و ظاهری و اقرار به ارزش و اعتبار عقل و استدلال، بر اصالت ارتباط حضوری تأکید داشته و علوم حاصل از مکاشفات و مشاهدات را بر نتایج حاصل از براهین عقلی ترجیح می دهند. (یشربی، ۱۳۸۴: ۳۹)

مکاتب عرفانی، اتفاق نظر دارند که بشر فقط در اثر تلاش پی‌گیر و پر مشقت می‌تواند به کمالات حقیقی خویش نایل آید. در عرفان، علم حقیقی نه تنها از عمل جدا نیست بلکه نتیجه و محصول عمل است. (همان: ۴۱)

از عناصر اصلی عرفان اسلامی که احتمالاً از مسیحیت اقتباس شده باشد می‌توان دو عنصر را نام برد. الف- مجاهده یعنی سخت‌گیری و افراط در زهد و تحقیر دنیا. ب- عشق و محبت.

و از مسائل جنبی و فرعی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: چشم پوشی و پوشش ظاهری، عزلت سیاحت، سکوت، تجرد، ذکر، توکل، ملامتی‌گری و تأسیس دیر و خانقاه. (همان: ۷۲)

ابن سینا در اول نمط نهم اشارات، سه عنوان عابد و زاهد و عارف را به صورت تکاملی در طول هم قرار داده است به این معنا که عابد را کسی می‌داند که خدا را می‌پرستد و دنیا را به نیز به وجه حلال طلب می‌کند. اما زاهد در مقام بندگی خداوند و طلب پاداش اخروی از دنیا روگردان شده و دنیا را فدای آخرت می‌کند. ولی عارف دست از دنیا و آخرت برداشته، تنها ذات حق را مقصد و مقصود خود قرار می‌دهد. (همان: ۱۱۴)

یک عارف علوم رسمی را نفی نمی‌کند، بلکه محدود ساختن معارف بشری را به حوزه علمی حصولی طرد و رد می‌کند. (همان: ۲۰۸)

در عرفان خود شکنی و ترک انانیت و محو انیت هدفی اساسی است و هرچه انسان را خودبین سازد، زشت و مذموم است. خواه مال، جاه، علم یا نام و نشان. (همان: ۲۰۹)

آن چه مسلم است، عرفا و صوفیه، اصول و مبانی عقاید و اعمال خود را بیشتر با «تأویل» ظواهر کتاب و سنت، با اسلام تطبیق می‌دهند. فی‌المثل از حدود چهارصد و هفت آیه قرآن در تأیید مبانی و اصول خود بهره می‌گیرند که مفهوم آنها مستقیم و غیر مستقیم با آن مبانی و اصول تطبیق می‌گردد و گاهی با عنوان کردن مسأله‌ی «باطن قرآن» از آیات بیشتری هم می‌توانند بهره‌گیرند و همچنین در مورد سنت و سیره‌ی معصومین. (همان: ۴۰۷)